

بررسی محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس (شهرستان لنکه)

رویا تاج بخش

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

علی شریفی

کارشناس باستان شناسی

مقدمه

سرزمین پهناور ایران با فرهنگ چند هزار ساله اش پیوسته بر جوامع همجوار خود تأثیرگذار بوده است. این بدان معنا نیست که خود از جوامع یاد شده متأثر نشده؛ هدف از این گفتار تأکید بر تعاملی است که بین تمدن ایرانی و دیگر تمدن ها وجود داشته است. به رغم تمامی فراز و نشیب های تاریخ ایران و استیلای موقتی فرهنگ های بیگانه بر این سرزمین، روح و سلیقه ایرانی از میان نرفته و عمدتاً این ناهمگونی ها به بهترین شیوه ای با فلسفه فرهنگ ایرانی همسو شده اند. در میان آثار بجا مانده از پیشینیان، سفال بیش از هر شی دیگری، ویژگی های فرهنگی زمان خود را بیان می دارد. علاوه بر پایداری و ماندگاری در محیط، سفال جزء معدود فرآورده هایی است که مواد اولیه آن به راحتی در دسترس بوده و به سرعت آماده بهره برداری می شود؛ از این رو پس از ابداع، سفال تقریباً در تمامی سکونت گاه های انسان یافت می شود و همین امر موجب شده تا



ویژگی‌ها و سلايق بومی به خوبی در آن نمود يابد. با این حال محدودیت در شیوه ساخت و پیروی از اصول تولید، عاملی است که موجب بروز برخی تشابهات اصولی میان آثار سفالین مناطق مختلف شده است. نکته قابل ذکر آن است که گروهی از این تشابهات تعمدي و دسته‌ای غیر تعمدي بوده است. به جز محدودیت‌های یاد شده، عوامل متعدد دیگری نظیر همسانی معیشتی، ارتباطات تجاری، مناسبات فرهنگی، و مذهب در این همگونی مؤثر بوده است. موارد یاد شده، به‌ویژه در دوران تاریخی ایران، به این همسانی‌ها دامن زده است. از این‌روست که به‌رغم تنوع بسیار تولیدات سفالین این سرزمین طی دوران تاریخی نشانه‌های متعددی نیز از همگونی در این گستره فرهنگی سفال مشهود است. این تطابق، کلیدی است برای شناخت بهتر اقوام و گروه‌هایی که تاریخ بدانها نپرداخته و حضورشان به‌دست فراموشی سپرده شده است.

محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس در بخش مرکزی شهرستان لنگه از جمله مناطقی است که در ادوار اسلامی مورد سکونت قرار گرفته است. طی بررسی، شواهدی از استقرارهای دوران پیش از اسلام نیز در این محوطه به‌دست آمد. آثار به‌دست آمده عبارتند از قطعات ظروف سفالی متعلق به دوره ساسانی یا پیش از آن که در سطح تپه پراکنده شده‌اند. با وجود اشاره‌هایی که مورخان در متون تاریخی به استفاده از بندر لنگه در دوران تاریخی داشته‌اند، تاکنون مدارک باستان‌شناختی مطمئنی بر این گفتار ضحه نگذاشته است. پیدا شدن آثاری از این دست، ما را به‌سوی پژوهش‌هایی هدفمند برای آشکار کردن بخش‌های تاریک تاریخ کشورمان هدایت می‌نماید.

موقعیت

این محوطه در کنار پاسگاه ساحلی بندر شناس و در فاصله حدوداً یک کیلومتری شمال‌غربی روستا و در کنار خلیج فارس واقع شده است. این روستا واقع در دهستان مغویه و بخش مرکزی شهرستان لنگه می‌باشد؛ از شرق به روستای بندرگشه و از غرب به روستای سرخور ملو محدود می‌شود. در شمال این محوطه جاده آسفالت بندر لنگه- بندر گاویندی در فاصله حدوداً ۷۵۰ متری و فرودگاه بندر لنگه در حدود یک کیلومتری واقع شده است.

طول جغرافیایی محوطه E:54.48.712 و عرض جغرافیایی آن N:26.31.210 می‌باشد. این محوطه از شمال به کوه کله زنگی به ارتفاع ۱۳۵ متر و کوه میرشکار با ارتفاع ۷۳ متر و از جنوب به خلیج فارس منتهی می‌گردد. این محوطه حدود ۸ متر از زمین‌های اطراف بلندتر است. در سطح محوطه، پستی و بلندی‌های بسیاری دیده می‌شود و بیشترین ارتفاع محوطه از سطح زمینهای اطراف ۸ متر و در نقطه‌ای است که پاسگاه انتظامی بر روی آن قرار گرفته است. در جانب غربی محوطه یک مسیر واقع شده است. گسترش این محوطه در جهت شمالی - جنوبی ۳۵۰ متر و در جهت شرقی - غربی ۲۰۰ متر می‌باشد. نزدیک‌ترین آبادی به روستای بندر شناس در حدود یک کیلومتری شمال غربی آن واقع است.

پوشش گیاهی

پوشش گیاهی منطقه بیشتر شامل درختچه و بوته می‌باشد. درختان گور و کهور نیز به صورت بسیار پراکنده در اطراف مشاهده می‌شود. اقلیم منطقه متأثر از آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی و گرم و مرطوب است.

آثار و مواد فرهنگی محوطه

در غرب پاسگاه و به فاصله حدود ۱۰۰ متری، تپه‌ای تقریباً بیضی شکل وجود دارد که در جهت شرقی - غربی گسترش دارد. بر روی این تپه سازه‌های معماری دیده می‌شود که از قلوه سنگ و ساروج ساخته شده‌اند. در اطراف تپه مذکور گورهایی مشاهده می‌شود. در شمال غربی پاسگاه و در قسمتی از دیواره صخره‌ای تپه، کانال آبی در صخره‌ها حفر گردیده است. داده‌های باستان‌شناختی این محوطه به جز سفالینه‌ها شامل قطعاتی از اشیاء سنگی و یک پیکرک سفالی و همچنین سرباره‌های آهن و مس است. علاوه بر این داده‌ها، اشیاء شیشه‌ای مختلف خصوصاً الگوها و یا دسته ظروف شیشه‌ای از این محوطه یافت شد.



منابع آبی

آب محل از طریق جمع‌آوری نزولات جوی در فصول بارندگی در برکه‌های مجاور و همچنین حفر چاه‌های آب در نخلستانهای محوطه تأمین می‌شود.

توصیف داده‌ها

طی این بررسی، ۳۰ قطعه سفال به روش نمونه‌برداری تصادفی جمع‌آوری شد. براساس انجام ریخت‌شناسی، ۱۹ قطعه از سفالینه‌ها احتمالاً متعلق به دوره اشکانی یا ساسانی است؛ از این رو ما را به سمت انتساب محوطه به دوره تاریخی سوق می‌دهد. سفالینه‌ها به تمامی چرخساز بوده و از پخت کافی برخوردارند. انواع مختلف پوشش‌ها از قبیل لعاب گلی غلیظ، لعاب گلی رقیق، و صیقلی در میان آنها یافت می‌شود. طیف خمیره سفالینه‌ها وسیع بوده و رنگهای نخودی، خاکستری، نارنجی، قهوه‌ای، قرمز-خاکستری، و قهوه‌ای تیره را شامل می‌شود. ماده چسباننده به کار رفته در آنها از انواع متداول کانی، کانی-آهک، کانی-سنگ ریزه، و کانی-ماسه است.

از میان گونه‌ها، ۴ قطعه لبه ظرف (BL151-01 - BL151-02 - BL151-10 - BL151-16) و نیز سه قطعه بدنه (BL151-01 - BL151-01 - BL151-01) بیش از سایر گونه‌ها، تاریخ‌گذاری یاد شده را قوت می‌بخشد.

قطعه BL151-01 بخشی از لبه یک ظرف دهانه‌باز چرخساز با لعاب قلیایی سبز روشن است که خمیره‌ای به رنگ نخودی دارد؛ ماده چسباننده آن کانی است و از پخت کافی برخوردار است. مشابه این نمونه در کاوش‌های تخت سلیمان و سلوکیه و همچنین بررسی‌های بوشهر و جنوب ایران دیده می‌شود. ظاهراً ساخت این گونه سفال در دوران اسلامی نیز تداوم یافته و نمونه آن در طیف سفالینه‌های دوران اسلامی از کاوشهای شوش به چشم می‌خورد. (تصویر ۶- لوح ۱- جدول ۱)

لبه ظرفی که با شماره BL151-02 مشخص شده از نوع چرخساز و دارای لعاب گلی غلیظ به رنگ قهوه‌ای است. ۴ خط دورانی سطح بالایی لبه را تزئین کرده که به شیوه نقش‌کننده ایجاد شده. ماده چسباننده این قطعه کانی است و خمیره آن نخودی می‌باشد. مشابه این نمونه در



حفاری‌های سوهار و نیز بررسی‌های بیستون و غرب کشور دیده شده. (تصویر ۶- لوح ۱- جدول ۱)

قطعات BL151-10 و BL151-16 بخش‌هایی از ظروف با پخت کافی و چرخساز هستند که پوشش گلی غلیظ دارند. رنگ بیرونی، درونی، و خمیره قطعه BL151-10، نخودی و شاموت آن ترکیبی از کانی و سنگ‌ریزه است. قطعه BL151-16 دارای خمیره قهوه‌ای رنگ با پوشش قرمز است و برای ماده چسباننده آن تنها از کانی استفاده شده. مشابه هر دو نمونه در بررسی‌های دامغان دیده شده؛ نظیر قطعه BL151-16 از کاوش‌های تل / بوسرینا به‌دست آمده؛ همچنین هرینگ آن را در گروه سفالینه‌های دوره اشکانی قرار داده است. (تصاویر ۷ و ۸ - الواح ۲ و ۳- جداول ۱ و ۲)

در این بررسی دو قطعه بدنه (BL151-06 و BL151-21) به‌دست آمد که از حیث خمیره، پوشش، رنگ و کیفیت ساخت بسیار شبیه به سفال کلینکی، سفال مشخصه اواخر اشکانی، است. بر روی قطعه BL151-21 باندی برجسته و سراسری به شیوه کنده پدید آمده. هر دو قطعه به‌دلیل آنکه بدنه بوده، فاقد مقایسه‌های ریخت‌شناسی‌اند، با این حال چنانچه ویژگی‌های فنی آنها را مطابق با سفال کلینکی بدانیم، دلیل قوی‌تری برای اشکانی بودن آن خواهیم داشت. (تصاویر ۶ و ۹- الواح ۱ و ۳- جداول ۱ و ۲)

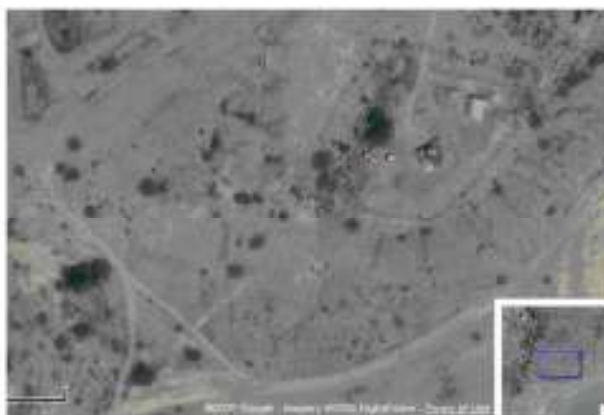
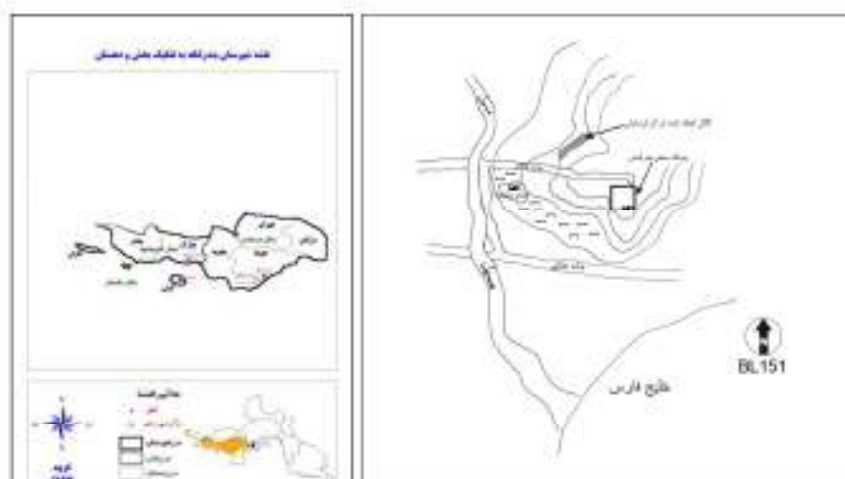
قطعه‌ای که به تردید بخشی از یک لبه فرسایش یافته می‌نماید، با شماره BL151-23 نامگذاری شده. با توجه به نامشخص بودن فرم این قطعه، ریخت‌شناسی آن امکانپذیر نبوده، تنها به بررسی مشخصات فنی آن پرداخته شد. لعاب قلیایی سبز روشن بر زمینه نخودی این قطعه، به انواع لعاب‌های قلیایی دوران تاریخی به‌ویژه دوره اشکانی شباهت دارد. (تصویر ۹- لوح ۲)

ریخت‌شناسی سایر قطعات نتایج مشابهی به‌دست داده است که از شرح آنها خودداری می‌کنیم.



نتیجه

وجود داده‌های متنوع باستان‌شناختی و همچنین وسعت محوطه و موقعیت جغرافیایی آن اهمیت این محدوده را نشان می‌دهد. سفالینه‌های یافت شده از محوطه برخی قابل مقایسه با دورانهای تاریخی و گروهی دیگر مشابه نمونه‌های دوره اسلامی هستند. از آنجا که سفالهای دوران تاریخی محوطه به شعاع فراوانی گسترده شده‌اند، شاید بتوان گفت که این محوطه روزگاری از بنادر مهم دولت اشکانی و یا ساسانی بوده. صرف‌نظر از نوع کاربری و نقش این محوطه در گذشته، چنین بنادر دوردستی، توانایی در کنترل و برنامه‌ریزی را در دولت‌های دوران تاریخی ایران روشن می‌سازد. همان‌گونه که اشاره شد نتایج ایراد شده تنها براساس بررسی سطحی است و اظهار نظر در مورد کاربری نظامی یا تجاری محوطه مستلزم انجام گمانه‌زنی‌ها، تعیین حریم‌ها و کاوش محل است. به امید روزی که کاوش‌ها و بررسی‌های بیشتر در این مناطق بتواند ارتباط قوی‌تر دنیای ایران باستان را با خلیج همیشه فارس اثبات نماید.



تصویر ۱: موقعیت مکانی و عکس هوایی محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس



تصویر ۲: محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس - دید از شمال



تصویر ۳: محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس - دید از جنوب



تصویر ۴: محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس - دید از شرق



تصویر ۵: محوطه پاسگاه ساحلی بندر شناس - دید از غرب



تصویر ۶



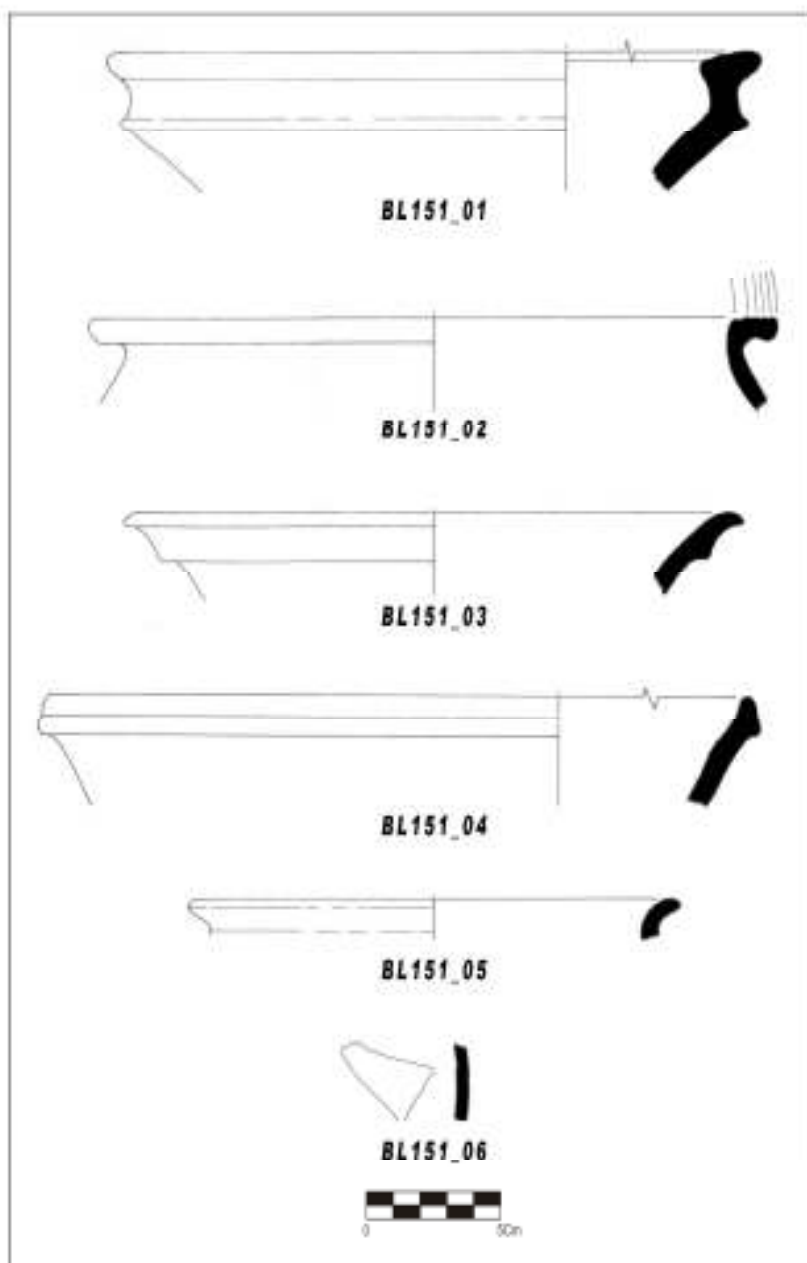
تصویر ۷



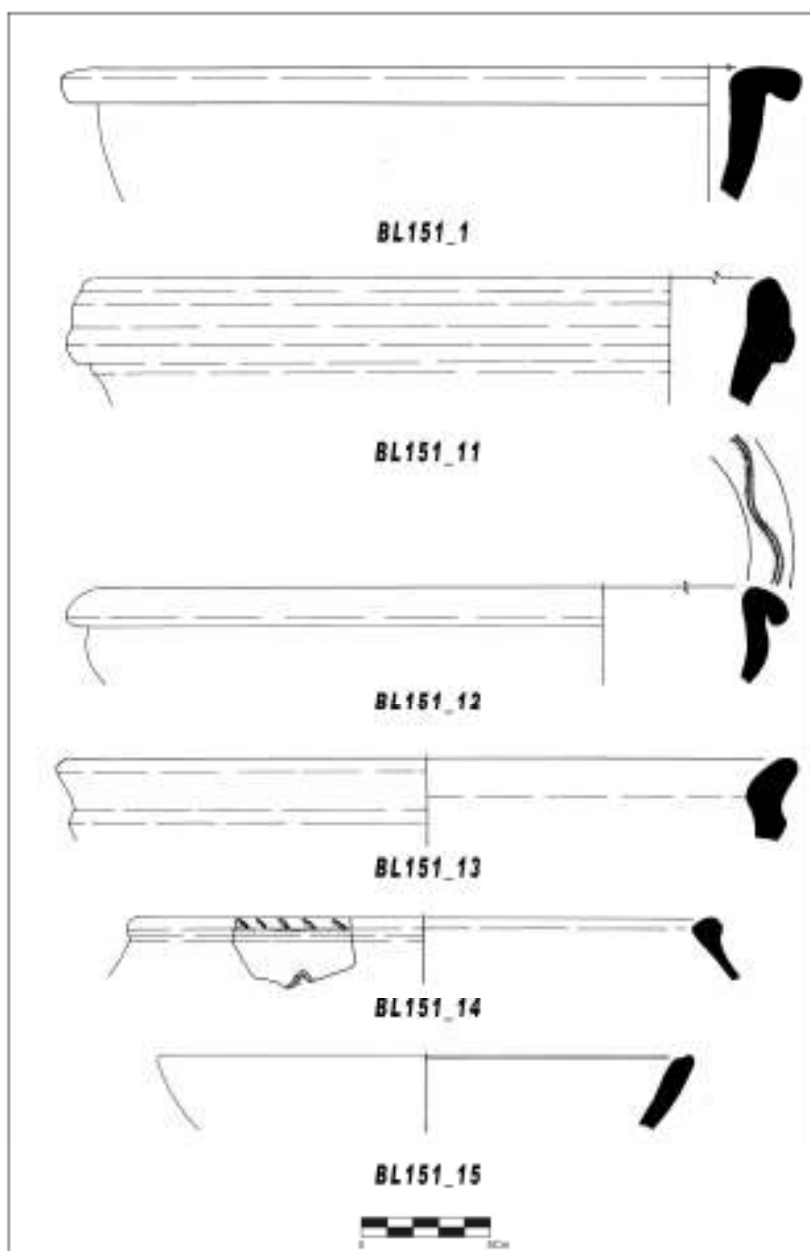
تصویر ۸



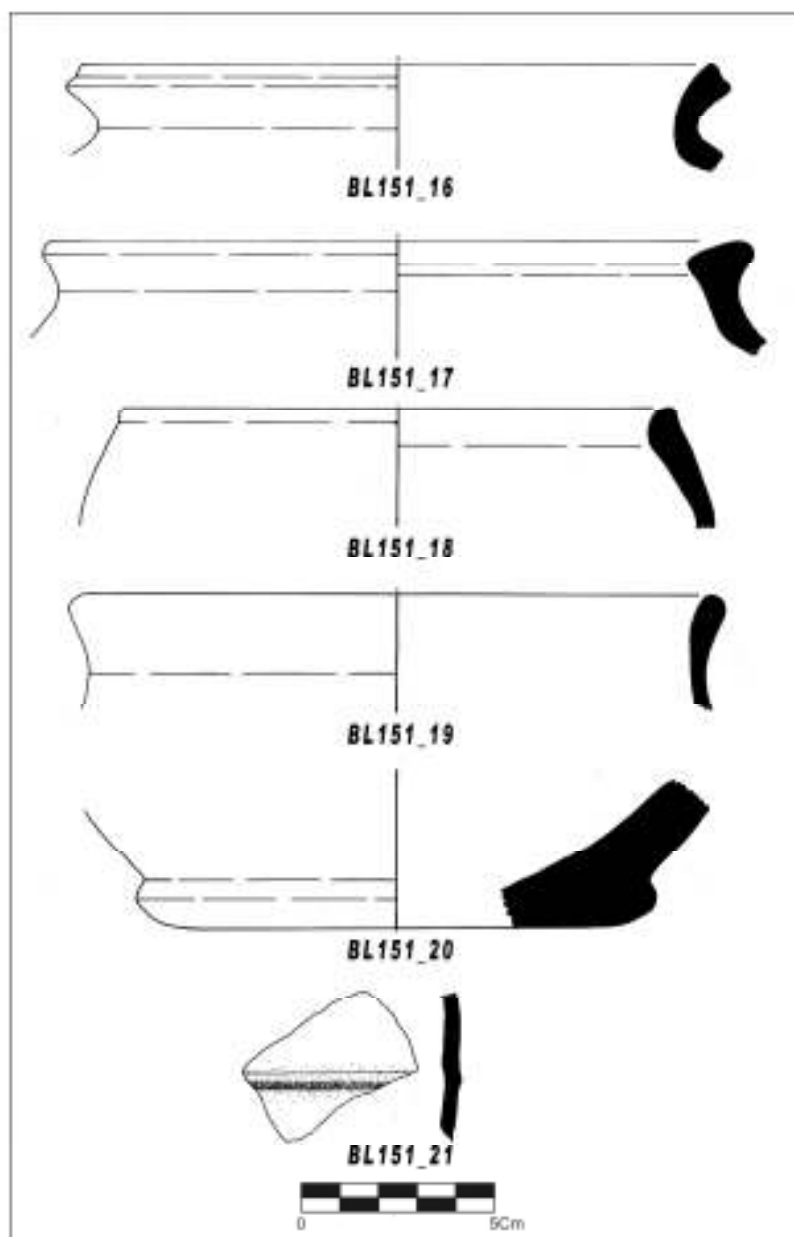
تصویر ۹



لوح شماره ۱



لوح شماره ۲



لوحة شماره ۳

[illegible][illegible]



شماره قطعه	مقایسه
BL151-01	۱-تخت سلیمان، نومان...، صفحه ۵۶-۲۱ (ساسانی) 2-Bushire and angali canal, D.Whitcomb, Fig.5:L (اشکانی - ساسانی) 3-Sasanian pottery in southern iran ..., D.Kennet, Fig.2, Type:93 (ساسانی) 4-Les plais d'Artaxerexs, R.Boucharlat & A.Labrousse, Fig.28:3 (اسلامی) 5-Seleucia and the three, J.Hansman, Fig.10:2 (اشکانی - ساسانی)
BL151-02	1-Sohar preislamique note, M.Kervran et F.Hiebert, Fig.8:18 (ساسانی) 2-Bisutun, W.Kleiss, Abb.26:14 (اشکانی) ۳- سفال ایران در دوران اشکانی، ارنی هرینک، غرب، شکل ۱۶، شماره: ۵ (اشکانی)
BL151-03	1-Sohar preislamique note, M.Kervran et F.Hiebert, Fig.5:1 (ساسانی) 2-Tell_es Sweyhat, T.A.Holland, Fig.3:19 (رومی، قرن دوم میلادی)
BL151-04	1-K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.20:7 (اشکانی - ساسانی) 2-K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.6:15 (اشکانی - ساسانی) 3-K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.13:2 (اشکانی - ساسانی)
BL151-05	1-Izeh plain, H.Eqbal, Fig.46:j (اشکانی - ساسانی) 2-Excavation at Kish ..., S.Longdon & B.Harden, Fig.3:8 (ساسانی)
BL151-10	1-K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.17:15 (اشکانی - ساسانی) 2-Tell_es Sweyhat, T.A.Holland, Fig.5:5 (رومی، قرن ۵ و ۶ میلادی)
BL151-11	1-Bisutun, W.Kleiss, Abb.26:9 (اشکانی)
BL151-12	1-Sohar preislamique note, M.Kervran et F.Hiebert, Fig.7:16 (ساسانی)



2-Sohar preislamique note, M.Kervran et F.Hiebert, Fig.4:12 (ساسانی)	
1-Qaleh Zohak, W.Kleiss, Abb.22:26 (اشکانی)	BL151-13
1- Sasanian pottry in southern iran ... , D.Kennet, Fig.7:1 (ساسانی)	BL151-14
۱- سفال ایران در دوران اشکانی، ارنی هرینک، جنوب غرب، شکل ۱۱، شماره: ۱ (اشکانی)	BL151-15
۱- سفال ایران در دوران اشکانی، ارنی هرینک، شمال شرق، شکل ۲۹، شماره: ۱۲ (اشکانی)	BL151-16
2- K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.20:6 (اشکانی - ساسانی)	
3- K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.14:8 (اشکانی - ساسانی)	
4-Tell Abu Sarifa..., R.Mc Adams, Fig.6:ar (ساسانی)	
1-2- K.M.Trinkaus, Damghan..., Fig.8:10 (اشکانی - ساسانی)	BL151-17
1- Les plais d'Artaxerexs, R.Boucharlat & A.Labrousse, Fig.33:8 (سلوکی)	BL151-19
۱- سفال ایران در دوران اشکانی، ارنی هرینک، شکل ۱، شماره: ۳ (اشکانی)	BL151-20

جدول مقایسات ریخت شناسی

منابع

- نومان، رودولف و هه هیننگ و فون در اوستن، ۱۳۸۲، *تخت سلیمان*، ترجمه: فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، *سفال ایران در دوران اشکانی*، ترجمه: حمیده چوبک، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- Boucharlat, Remy & Labrousse, A., "Les plais d'Artaxerexes II sur larive droite due Chaur a Suse", *D.A.F.I/10*(1979).
- Eqbal, Haydeh, "The Seleucid Parthian and Sasanian periods on the Izeh plain", archaeological investigations in north eastern Xuzestan, ed.H.T.Wright, 1976, pp.114-119.
- Hansman, John, "Seleucia and the three dauraks", *Iran*, XVI(1978), pp.154-161.
- Kennet, Derek, "Sasanian pottery in Southern Iran and Eastern Arabia", *Iran*. XL (2002), pp.153-160.
- Kervran, M. et Hiebert, F., "Sohar preislamique note_ stratigraphique", *Internationale Archaeologie* 6, pp.337-348.
- Kleiss, Wolfram, "Qal'eh Zohak in Azerbaidjan", *A.M.I*, 6 (1973), pp. 163-188.



- Kleiss, Wolfram, "Zur topographie des partherhanges in Bistun", *A.M.I.*, n.f.3(1970), pp.133-168.
- Langdon, S. & Harden, B., "Excavation at Kish and Barghuthiat", *Iraq*, 1 (1934), pp.113-132.
- Maurer, K. Trinkaus, "Damghan Parthian and Sasanian pottery".
- Mc. Adams, Robert, "Tell Abu Sarifa, a Sassanian- Islamic ceramic sequence from south central Iraq", *Ars orientalis* VIII, (1970), pp. 87-119.
- Thomas, A. Holland, "Tell Es-Sweyhat", THE ORIENTAL INSTITUTE ANNUAL REPORT(1998-1999), pp. 88-95.
- Vialtz, Elisabetta, "New observations on the Hellenistic pottery from Seleucia-on-the-tigris", *Internationale Archaologie* 6, pp. 45-57.
- Whitcomb, Donalds, "Bushire and the Angali canal" *Mesopotamia*, vol. XXII, (1987), pp. 311-336.